

واژه گردی

ناصر اسلامی

جلد هشتم

لغت ۲۶۸۵ - ۲۲۳۰

فا fa* - فوتی، فاستونی

شامل بیش از هفت هزار واژه های اروپایی

مصطلح در زبان فارسی

با ریشه یابی آنها تا مبدأ هند و آریایی

و رابطه آنها با لغات فارسی

سرشناسه	: ناصر اسلامی، حسین، ۱۳۱۳ -
عنوان و نام پدیدآور	: واژه‌گردی ناصر اسلامی: شامل بیش از هفت هزار واژه‌های اروپایی مصطلح در زبان فارسی با ریشه‌های آنها ... / گردآورنده حسین ناصر اسلامی.
مشخصات نشر	: تهران: شعاع، ۱۳۸۹.
مشخصات ظاهری	: ۱۹ ج.
شابک	: دوره : 978-964-5901-60-6 : ج. ۱ : 978-964-5901-79-8 : ج. ۲ : 978-964-5901-61-3 : ج. ۳ : 978-964-5901-62-0 : ج. ۴ : 978-964-5901-63-7 : ج. ۵ : 978-964-5901-64-4 : ج. ۶ : 978-964-5901-65-1 : ج. ۷ : 978-964-5901-66-8 : ج. ۸ : 978-964-5901-67-5 : ج. ۹ : 978-964-5901-68-2 : ج. ۱۰ : 978-964-5901-69-9 : ج. ۱۱ : 978-964-5901-70-5 : ج. ۱۲ : 978-964-5901-71-2 : ج. ۱۳ : 978-964-5901-72-9 : ج. ۱۴ : 978-964-5901-73-6 : ج. ۱۵ : 978-964-5901-74-3 : ج. ۱۶ : 978-964-5901-75-0 : ج. ۱۷ : 978-964-5901-76-7 : ج. ۱۸ : 978-964-5901-77-4 : ج. ۱۹ : 978-964-5901-78-1
وضعیت فهرست نویسی	: فبا
بازداشت	: کتاب حاضر در سال ۱۳۸۸ با عنوان "فرهنگ واژه‌گردی ناصر اسلامی" توسط سازمان تبلیغات اسلامی، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل فبا گرفته است.
بازداشت	: ج. ۲ - ۱۹ (چاپ اول: ۱۳۸۹) (فبا).
عنوان دیگر	: فرهنگ واژه‌گردی ناصر اسلامی.
موضوع	: واژه‌نامه‌های چند زبانه
موضوع	: زبان -- اصطلاح‌ها و واژه‌ها
موضوع	: زبان -- ریشه‌شناسی
موضوع	: فارسی -- واژه‌ها و ترکیبات خارجی
موضوع	: فارسی -- ریشه‌شناسی -- واژه‌نامه‌ها
موضوع	: زبان‌شناسی تطبیقی
رده بندی کنگره	: ۱۳۸۹ ۲۵۲/۲۶۱۲
رده بندی دیویی	: ۴۱۳
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۳۹۰۴۰۳



انتشارات شعاع

تلفن: ۳۳۱۱۱۴۸۴ - ۰۹۱۲۱۰۳۲۷۷۸

نام کتاب: واژه گردی ناصر اسلامی

مؤلف: دکتر حسین ناصر اسلامی

ناشر: انتشارات شعاع

نوبت چاپ: اول پاییز ۱۳۹۱

چاپ و صحافی: کوروش

لیتوگرافی: سبز گرافیک

شابک دوره: ۶-۶۰-۵۹۰۱-۹۶۴-۹۷۸

شابک: ۵-۶۷-۵۹۰۱-۹۶۴-۹۷۸

تیراژ: ۱۰۰

قیمت یک دوره نوزده جلدی: ۵۰۰۰۰۰ تومان

مقدمه

بهترین و آسانترین راه برای درک مطالب درمهرشته علمی و فهم اصطلاحات و واژه های آن، پی بردن به بطن معانی واژه ها و اصطلاحات و شناخت رابطه آنها با یکدیگر و ایجاد یک پل ارتباطی فکری است. این شیوه فراگیری البته در ابتدا متضمن صرف وقت و زحمت زیادی است و صبر و حوصله بیشتری را می طلبد که با شتاب و عجله سازگار نیست، لیکن صرفه جویی آینده در وقت و آسان شدن درک مطالب زحمت و صرف وقت اولیه را بخوبی جبران میکند.

این شیوه فراگیری را من خود از اوایل تحصیل با حوصله و صرف وقت بکار می گرفتم و از نتایج رضایت بخش آن بهره مند می شدم. این گونه فراگیری و درک معانی به ویژه زمانی آسان و دلپذیری شد که تقریباً ارتباط همه لغات علمی را با لغات فارسی می یافتم. در ابتدا، این کار تنها برای استفاده شخصی بود ولی بعدها درمباحثات درسی با دوستان هم رشته، این شیوه مورد توجه آنان نیز قرار گرفت. هرچند این دوستان صبر و حوصله مرا بر این شیوه برنگی نافتند، در عین حال همواره از من می پرسیدند: « این لغت اصولاً به چه معنی است؟ ریشه آن چیست و از کجا می آید؟ معنی اصلی آن کدام است؟... » و نهایتاً ازم می خواستند تا نتیجه بررسی های خود را در اختیار ایشان نیز بگذارم. این مهم را با علاقه پذیرفتم و به آنان وعده دادم که زمانی نتیجه بررسی ها و تجسسات خود را در اختیار ایشان نیز بگذارم. این تفحص و پیگیری در معانی واصل و ریشه لغات، به تدریج علاوه بر یک کار علمی و تحقیقی، برای من بصورت سرگرمی و تفریحی دل انگیز درآمد و مرا چنان مجذوب خود کرد و به خویش واداشت که در تمام دوران تحصیل و بعد از تحصیل درایام کار و فعالیت شغلی و نیز در زمان باز نشستگی همچنان ادامه یافت و به گونه ای شد که دیگر با لغات مردم و مصحبت و همبازی شده بودم. با آنها زندگی می کردم، با آنها به گردش و سفر می رفتم و برای یافتن ریشه و اصل و نسب آن ها عازم کشورهای دیگر می شدم و بطوری که زمان زیادی را در کتابخانه های شهرهای مختلف مانند کتابخانه های هامبورگ و برلین و پاریس و بروکسل و مسکو و غیره گزراندم و بالاخره اصل و نسب آنها را می یافتم.

وعده ای که به دوستان داده بودم، ابتدا بصورت جزوه ای در آمد و سپس در قالب کتابی ظاهر شد و بعد بصورت دو کتاب و سه کتاب و اینک بصورت چندین جلد مفصل درآمد است. اکنون مرا دریغ می آید که این همه صرف وقت، تنها برای استفاده شخصی محدود بماند و دیگران از آن بهره ای نبرند.

هرچند دوستان دوران تحصیل من، اینک به سن باز نشستگی رسیده اند و شاید خودچندان استفاده ای از آنچه در انتظار آن بودند نبرند، لیک بی تردید این کار وسیع می تواند مورد استفاده فرزندان و نوادگان و نیز بسیاری از محصلان و دانشجویان دیگر قرار گیرد.

البته این کتاب، تنها یک کتاب اتیمولوژی و فقط یک راهنمای لغت شناسی نیست، بلکه سعی بر آن بوده است تا ضمن تجسس و تحقیق در ریشه لغات، به معانی مصطلح، معانی ابتدایی و نهانی، مفاهیم مجازی و نیز معانی تحت الفظی اشاره شود، از این روی هم سهمی از کتاب لغت یا لکزیون و نیز سهمی از کتاب دایره المعارف یا آنسیکلوپدی در آن نهفته است. بدین جهت نام این مجموعه اتیمولوژی نیست، لغت نامه یا لکزیون هم نیست، نام دایره المعارف یا آنسیکلوپدی نیز بر آن نمی توان نهاد، بلکه کار تازه ای است که نام تازه ای می طلبد و ما، نام واژه گردی بر آن نهاده ایم که عبارت است از جستجو، یافتن، آشنایی، گردش، مسافرت و بالاخره دوره گردی با واژه و همراه واژه.

از این رو سخت امید دارم که این مجموعه بتواند مورد استفاده افراد مختلف در موقعیت های گوناگون قرار گیرد و سهمی در خور بهره وری طیف های مختلف، از جمله دانش آموزان، دانشجویان، فارغ التحصیلان و محققان دانشگاهی و غیردانشگاهی برای خود بیابد. همچنین قابل استفاده و آماده سازی برای تحقیقات بیشتر در این زمینه باشد و نقش خود را در ارتقاء سطح دانش عمومی، به ویژه لغت شناسی ایفا کند.

البته یقین دارم که این اثر نقش بسزایی در آسان کردن فراگیری زبانهای اروپایی رمانی و انگلوساکسون و نیز زبانهای علمی، همچون لاتین و یونانی ایفا خواهد نمود، همچنان که رابطه معانی بسیاری از واژه های فارسی را با یکدیگر روشن خواهد ساخت.

کسانی که نسبت به ریشه شناسی لغات آگاهی دارند، به خوبی می دانند، که برای تالیف یک کتاب ریشه شناسی سالیان متمادی، وقت و فرصت لازم است. این مجموعه با این وسعت از این قاعده مستثنی نبود، به گونه ای که هنگام سپردن مراحل اولیه این تفحص و تحقیق خود را در دریای بی کرانه ای غوطه ور دیدم که ساحل آن ناپیدا می نمود.

در نخستین جلد، که به تحلیل و تجزیه و ترکیب و به قول یکی از دوستان اهل فن به تشریح و جراحی تنها سیمد واژه پرداختم، مجلدی چنین حجیم فراهم آمد. از آنجا که مجموعه این تحقیق و بررسی، تعداد واژه هایی را بالغ بر هفت هزار در بر می گیرد، پیش بینی بیش از هجده جلد را اجتناب ناپذیر می کند که امید بر آن می برم تا با کمک و همکاری دوستان اهل فرهنگ و مسئولان نشر علم و ادب، این کار میسر گردد. بدیهی است با پیشرفت علم و صنعت و تکنیک جدید و پیدایش رشته های جدید علمی و حیطه های نوین دانشی، لغات و واژه ها نیز نوبه نو متولد می شوند به طوری که باید همواره به دنبال واژه های جدید دوید. در پایان تنظیم این مجموعه، واژه های جدیدی متولد شده بودند- و یا در حال تولد بودند- که طبعاً در این کتاب بررسی نشده اند. در عین حال، چون در این اثر، سعی بر آن بوده است تا لغات از روی ریشه و پیدایش و حلقه ارتباطی آنها فهمیده شوند، با اندکی غور و دقت و قدرت تصور می توان از شرح لغات قدیم و تفکر در ریشه واژه های خویشاوند، به معنی لغات جدید و نوزاد نیز پی برد و حتی این کار می تواند بخشی از علاقه و تفریح دوستان این حیطه را پرکند و هر کس تا اندازه ای می تواند ذوق و حتی علاقه و تفنن در لغت شناسی پیدا کند.

حلقه ارتباطی و زنجیره ای بسیاری از لغات اروپائی مصطلح در ایران، پامفقود شده و یا به گونه ای به طور ناقص و بریده بریده و در بسیاری از کتب فقط بطور حدس و گمان و نامعلوم ذکر شده است. این حلقه مفقوده و یا اطلاعات ناقص و ارتباط مخدوش میان لغات فارسی با زبان های اروپائی موجب شد که بستن این حلقه و تکمیل آن، زمان درازی را به خود اختصاص دهد.

هر گروه از لغات بیگانه و واژه های خارجی رایج در زبانهای مختلف، منشأ و زادگاه خاص دارند و می باید ریشه آنها در همان زبان جستجو شود مثلاً واژه های مربوط به موسیقی و بانکداری بیشتر از زبان ایتالیائی گرفته شده اند، مانند آجیو *gio*، آداجیو *adagio*، آجیوتاژ *agiotage* آندانت *andante*، آلتو *alto*، آلگرو *allegro*، اپرا *opera*، دو ر می فا سو لا سی، *do re mi fa so la si* و بانکروت *banqueroute* و غیره. اصطلاحات سیاسی اکثراً از زبان فرانسه گرفته شده اند مثل: پلیتیک *politique*، دیپلمات *diplomate*، دیپلماتیک *diplomatique*، کوردیپلماتیک *corps diplomatique*، آتاش *attaché*، کابینه *cabinet*، بورژوا *bourgeois*، بورژوازی *bourgeoisie*، کودتا *coup d'état* و غیره.

بسیاری از لغات رایج مربوط به اتومبیل در ایران از زبان روسی برآمده اند مثل: ترمز *to moz*، بک *bak*، بکسل *buksir*، زاپاس *sapas*، برزنت *brezent* و غیره.

لغات اساطیری بیشتر از یونانی گرفته شده اند. لغات جدید تکنیک، کامپیوتر و مربوط به تکنیک دیجیتال اکثراً از زبان انگلیسی وارد زبان فارسی شده اند ولی ارتباط همه این لغات را با زبان فارسی قدیم و جدید می توان با پشتکار و بررسی پیدا کرد، که این کار وظیفه اصلی این مجموعه بود. لغاتی بنام واژه های انترناسیونال وجود دارند که در همه کشورها با معنی و تلفظ یکنواخت به کار برده می شوند. در اکثر کشورها لغات بومی یا ناسیونال برای جایگزینی آنها وجود ندارد. از آن جمله می توان به لغاتی مانند: سیگار، تلفن، رادیو، سیستم، سینما، تأثیر، موزیک، الکتریک، دکتر، اتومبیل و مانند آن اشاره کرد. با افزایش روز به روز ارتباط کشورها با یکدیگر و وسایل ارتباطی جمعی و تکنیک و تکنیک دیجیتال روز به روز بر تعداد این لغات انترناسیونال افزوده می گردد.

هدف مجموعه حاضر، در وهله اول بررسی لغاتی است که از زبان های اروپائی وارد زبان فارسی شده و در این زبان مصطلح گشته اند. در عین حال چون زبان فارسی از خانواده زبان های هندواروپائی و هندوآریائی است، در حین جستجو و بررسی تقریباً به کلیه لغات و واژه های زبان های اروپائی برخورد می کنیم.

پس از اندکی بررسی بزودی درمی یابیم که واژه های خارجی اروپائی وارده در زبان فارسی اکثراً گونه خاص واژه های خارجی هستند و غیر از زبان فارسی در بیشتر زبان های دیگر نیز به شکل واژه های خارجی وارداتی مصطلح شده اند.

در اینجا لازم به ذکر است که واژه های عربی وارد شده در زبان فارسی بجای جداگانه است. زبان عربی از خانواده زبان های

هندوآریائی و هندواروپائی نیست و در اینجا نیز مورد بررسی ما نمی باشد. زبان عربی از خانواده زبان سامی و حامی است که در کشورهای عربی زبان، مصر و شمال آفریقا و در کشورهای عربی زبان و دزمیان اقوام یهود تکلم می شود.

با وجود آنکه زبان فارسی تا حد زیادی تحت تأثیر زبان عربی قرار گرفته و حتی میتوان از اختلاط این دو با یکدیگر سخن به میان آورد، ولی از لحاظ ریشه و پیدایش هیچ نوع خویشاوندی باهم ندارند. زبان فارسی با زبان های لاتین، یونانی، انگلیسی، فرانسه، ایتالیائی، آلمانی، روسی و اسپانیائی و باین ترتیب حتی با زبان های لاتین جنوب آمریکا خویشاوندی بیشتری دارد تا با زبان کشورهای همسایه ایران مانند زبان های عربی و ترکی. از این رو و به جهت خویشاوندی نزدیک پس از ریشه یابی برای فارسی زبانان درک زبان های لاتین و اروپائی آسانتر است تا درک زبان عربی که از خانواده زبان های عربی و سامی و آرامی و آشوری و کلدی ای و فنیقی و سریانی است.

بررسی در این مورد یعنی در مورد لغات عربی رایج در زبان فارسی باید به اهل تخصص در این فن و صاحب نظران زبان عربی واگذار شود. ما در اینجا فقط به بررسی واژه های خارجی غیر عربی می پردازیم که وارد زبان فارسی شده اند، و واژه های اروپائی وارده در زبان فارسی را در قالب خویشاوندی خانوادگی آن ها یعنی در چهارچوب زبان های هندواروپائی بررسی خواهیم کرد.

خویشاوندان خانواده زبانهای هندوآریائی و هندواروپائی بطور کلی و مختصر عبارتند از: ایرانی، هندی، سانسکریت، ارمنی، آلبانیائی، انگلیسی، آلمانی، اسپانیائی، ایتالیائی، اسلاوی از جمله بلغاری، صربی، کروآسی، چک، لهستانی، روسی، زبان کشورهای بالتیک، و زبان کشورهای اسکاندیناوی (غیر از زبان فنلاندی که خویشاوند با زبان مجاری و ترکی است). زبان های ترکی، مجاری، فنلاندی و مغولی از خانواده زبان آلتائی هستند.

تفحص خود را با لغات فارسی آغاز می کنیم و پس از چند دیدار دوره باخویشاوندان این خانواده بزرگ، ریشه یابی آنرا تا ریشه هندوآریائی و هندواروپائی ادامه می دهیم و دوباره به زبان فارسی قدیم و از آنجا به زبان های امروزی این خانواده هندواروپائی مانند فرانسه، انگلیسی، آلمانی، اسپانیائی، ایتالیائی و روسی باز می گردیم. رابطه و خویشاوندی آن ها را بایکدیگر باز بررسی می کنیم. در ضمن این بررسی گاه به لغاتی از خانواده های غیر هندواروپائی مانند عربی، ترکی، ژاپنی و چینی، و زبان سرخپوستان بومی آمریکای جنوبی نیز برخورد می کنیم که بررسی این واژه ها فقط به صورتی مختصر و گذرا انجام و یادآوری خواهد شد.

از زبانهای عربی و عربی تنها لغاتی بررسی میشوند که به عنوان لغت خارجی در کلیه زبانهای اروپائی امروز متداول شده اند مثل: آلامبیک *alambique* (انبیق، الانبیق)، *alkali*، *alkaloid* (قلیائی، القلیائی)، ابلمسک *abelmosk* (حب المشک)، اد میرال، امیرال *admiral* (امیر البحر)، آرتیشوک *artichoke*، الشیمی *alchemy* (الکیمیا)، الکل *alcohol* (الکحل)، جیر، الگبرا *algebra* (الجبر)، آلیزارین *alizarin* (العصاره)، آمالگام *amalgam* (الملغم)،

آنیلین aniline (النیل)، azimuth (السموت)، الیکسیر elixir (العصاره)،
رآلگار realgar (رهج الفار) و مثل لغات سیروپ sirup (شربت)، سوفاسofa
(صفا)، بنزین benzine (بنجاوی)، گالا gala (خلعت)، حشیش hashish، شیفرف ciphre
(صفر)، کافه café، جوپ jupe (جبه)، مازوت mazout و غیره.

از خانواده کشورهای آسیای دور مثل چین و ژاپن لغاتی مانند:
چای، تی tea، کائولین kaolin، بونسائی bonsai، گیشا geisha، هاراکیری
barakiri، جودو judo، کاراته karate، کیمونو kimono، گینگو gingko، گینزنگ
ginseng و غیره بررسی خواهند شد.

از زبان سرخپوستان آمریکای جنوبی به واژه هایی مانند: آلیاکا
alpaca، شینین quinín، کاکائو cacao، لاما lama، آکاژو acajou، کورار
curare، کوکا coca، کولا cola، کوکائین cocaine، کائوچوک caoutchouc، پوما
puma، شکلات chocolat، تنباکو، تاباک tobacco، تومات tomate و غیره بر
خورد می کنیم.

در این مجموعه سعی بر آن بوده است تا همراه خواننده و همپای لغت،
یک دوره مسافرت کامل بسوی پیدایش و ریشه لغت انجام پذیرد و از
آنجا، از طریق ریشه هندوآریائی یا هندواروپائی و از راه لغات
قدیم فارسی به زبان های اروپائی امروزی بازگردیم و رابطه آن ها
را با لغات فارسی و زبان های دیگر بررسی کنیم.

برای آسانی کار خواننده، سعی شده است که حتی المقدور به صفحات و
مجلدات دیگر این کتاب و یا به کتابهای دیگر ارجاع داده نشود و یا
این کار در حداقل ممکن صورت گیرد. از این رو برای هر واژه
پرونده ای جداگانه تشکیل شده و بحث و تشریح هر لغت به طور کامل
در همان پرونده و همانجا انجام می شود و پرونده آن در همانجا بسته
می گردد.

چنانچه در پاره ای موارد تجزیه و تحلیل یک پیشوند یا پسوند یا
نکاتی دیگر دوباره و سه باره و چند باره تکرار هایی صورت
گرفته، به این منظور بوده است که خواننده را از ارجاع به مواضع
دیگر و گسستن رشته فکر او باز داریم تا بتواند بدون مراجعه به
مراجع دیگر، همراهی خود را در این سفر به زادگاه و تغیر صورت لغت
بدون مزاحمت ادامه دهد و از دنباله گیری مطلب منحرف نگردد.
با این روش فرا گیری و آشنایی با واژه های یک زبان، به یک
مشغله تفریحی و حتی سرگرمی لذت بخش تبدیل خواهد شد، به جای آنکه
فراگیری یک وظیفه خسته کننده و ملال آور شود.

همانگونه که اشاره شد هدف اصلی از این تفحص و ریشه یابی، آسان
سازی راه فراگیری لغات از طریق ارتباط ریشه ای و آشنایی با
لغات انشعابی دیگر است که بدین ترتیب منطق فراگیری را تسهیل می
سازد. به عنوان مثال لغت فارسی شترنج یا شترنگ را، که برای همگان
واژه ای آشنا است ذکر می کنیم که چگونه می توان از راه پیگیری
ریشه و انشعابات این لغت به معنی و مفهوم بسیاری لغات دیگر در

زبان فارسی و نیز به مفهوم بسیاری از لغات زبانهای اروپائی و اصطلاحات علمی پی برد.

لغت شترنج و شترنجی در فارسی به زمینه و اشکال چهار گوش و چهار خانه یا به بازی بر روی تخته ای با زمینه چهارخانه چهار خانه، گفته می شود. لغت شترنج از دو قسمت تشکیل شده است: از شتر یا چتر به معنای چهار و از انگ به معنای گوشه.

از هر کدام از این دو قسمت می توانیم به لغات بسیاری راه پیدا کنیم:

از قسمت اول چتر، در فارسی چهار، در زبان پهلوی چهار، اوستا چتورا *tchatura*، روسی چتر *tcheter*، هندوآریائی کتور *ketuer*، لاتین کواتور *quattuor*، ایتالیائی کواتور *quattro*، فرانسوی کتر *quatre*،

و از این راه فهم بسیاری لغات دیگر آسان می شود مانند: لاتین کوادرات *quadratum* به معنای چهار گوش، لاتین کوادرانگل *quadrangulus* (چهار گوش)، فارسی قدیم *tchetwert* چتورت به معنای یک چهارم و روسی چتور *tchetwert* (یک چهارم لیتز)، انگلیسی کوادراتیک *quadratic*، فرانسه کاره، کارو *carreau*، *carré* (چهار لو، چهار گوش)، انگلیسی کوارتت *quartette* (چهار نفری)، لاتین کارانتینه *quarantina* (قرنطینه، توقف چهل روزه)، فارسی چار یا، پهلوی چهارپاد و فرانسه کادروپد *quadrupède* (چهارپا)، فرانسه کادر *cadre* (چارچوب)، فرانسه اسکادرون *escadron* (در چهارچوب یک گروه)، لاتین کاروس *carrus*، انگلیسی کرت *cart* (چهارچرخه)، انگلیسی کار *car* (اتومبیل)، کارناوال *carnaval* (در اصل کشتی بر روی چهارچرخه)، فرانسه کاروسری *carrosserie* (اتاق اتومبیل)، شارژ *charge* (بار ماشین کردن)، کاریکاتور *caricature* (زیادی بار کردن)، کورس *cours* (سواری، راه سواری)، کنکور *concours* (باهم مسابقه گذاشتن، مسابقه سواری) و همچنین بسیاری لغات علمی و مصطلح دیگر که در زبان های هندوآریائی رایج است.

به همین روش از قسمت دوم لغت شترنج یا شترنگ-آنگ- میتوان به معانی لغات بسیاری دیگر پی برد:

پهلوی انگل *angal* به معنای قلاب، گوشه، شترنگ به معنای چهار گوش، لاتین آنگول *angulus* به معنای قلاب، گوشه، زاویه، انگلیسی آنجل *angle* تلفظ می شود.

فرانسه تری آنگل *triangle* به معنای سه گوش، کادرانگل *quadrangle* به معنای چهار گوش،

پیشوند آنگول، آنگلو *angul*، *anglo* به معنای انگلیسی (ملتی که در اصل از گوشه و زاویه ساحلی دریای شمال به انگلستان کوچ کردند)، انگلند *England* (سرزمین آنگولها، سرزمین انگلیسیها)، آنگلو فیل *anglophile* (دوستدار انگلیسیها)، آنگلو فوبی *anglophobie* (ترس از انگلیسیها)، آنگلو ساکسون *anglo-saxon* (قومی دیگر از آنگل ها).

دراوستا آنگ *ang*، دریونانی آنگوس *angos* به معنای گوشه، پهلوی آنگل *angal* به معنای قلاب، یونانی اکوس *agkos*، لاتین آنگول *angulus*.

یونانی اگکورا *agkura* فرانسه آنکر *ancre*، لاتین آنکورا *ancora*، انگلیسی آنکر *anchor* به معنای لنگر (قلاب).

یونانی آنگوس *angos*، لاتین آنگیو *angio* به معنای رگ، عروق، آنژیوگرافی *angiographie* (عکسبرداری از رگها)، آنژیولوژی *angiologie* (تخصص

جالب توجه است با اینکه بسیاری از لغات تغییرات بسیار زیادی را متحمل شده و شکل امروزی آنها با شکل اولیه شباهتی نشان نمی دهد، اما لغاتی نیز وجود دارند که کمتر متحمل تغییرات و دست خوردگی شده و شکل امروزی آنها در کلیه کشورهای خانواده هند و آریایی با شکل هزاران سال پیش تفاوت زیادی پیدا نکرده مثلا:

در زبان فارسی کلمه مادر در زبان پهلوی بصورت: *matar*، اوستا: *matar*، یونانی: *mater*، اسلاوی: *mater*، یونانی: *meter*، انگلیسی: *mother*، آلمانی: *Mutter*، هلندی: *moeder*، سوئدی: *moder*، اسپانیایی: *madre*، ایتالیایی: *madre*، و فرانسه: *mère*

با لغت نو (معنای نو، تازه) در اوستا: *nava* و در هندوآریایی: *neu* بوده است، یونانی: *neo*، لاتین: *novum*، و امروز در زبان فرانسه: *nouveau* تلفظ می شود، در انگلیسی: *new*، آلمانی: *neu*، سوئدی: *ny*، اسپانیایی: *nuevo*، ایتالیایی: *nuovo*، روسی: *novy*، اسلاوی: *nov*، صربی: *nov*، بلغاری: *nov*، لیتوانی: *nava*، لهستانی: *nowy*، چک: *nowy*

همچنین لغاتی را می بینیم که در زبانهای اروپایی امروز در مقایسه با زبانهای ایران باستان بدون تغییر مانده ولی در زبان فارسی امروز دیگر مصطلح نیستند و فقط در زبانهای کشورهای دیگر به آنها برخورد می کنیم: مثل لغت پهلوی *ashnur* به معنای رشته و نخ، آلمانی: *Schnur*، اسلاوی: *ashnur*، لهستانی: *shnur*، هلندی: *snoer*، سوئدی: *snöre*، نروژی: *snor*، و در فرانسه: *nuora* که از آن کلمه نرف *nerf*، نرو *nerv*، و نورون *neuron* گرفته شده است به معنای عصب (رشته عصبی).

با لغت اوستایی *fresha* به معنای تازه که امروز این لغت به این معنادر فارسی دیگر مستعمل نیست ولی در زبان انگلیسی *fresh* هنوز به معنای تازه وجود دارد، آلمانی: *frisch*، فرانسو: *fraîs*، اسپانیایی: *fresco*، فرسکو: *fresco*، لاتین: *frigidus*

بستگی و خویشاوندی بسیاری از لغات و رابطه آنها با یکدیگر به علت تغییرات زیادی که در ظاهر و شکل آنها ایجاد شده است در نظر اول نا آشکارا است و رابطه آنها تنها پس از پیدا کردن زنجیره روابط میانه آشکار می شود. مثلا رابطه لغت فارسی چهار و انگلیسی *four* (چهار) تنها بعد از مشاهده رابطه تدریجی میانی روشن می شود: فارسی چهار، پهلوی چهار، اوستا چتورا *chatura*، هندوآریایی کتور *ketuer*، لاتین کواتور *quattuor*، گوتیک فیودور *fiodwor*، انگلیسی قدیم فیوور *fewer*، انگلیسی جدید *four*.

با مشاهده یک مثال بهتر می توان تغییر و تبدیل، مسافرت لغات از مرزها، پیری و جوانی آنها، بریده شدن، ناقص و معیوب شدن آنها را ملاحظه کرد. در طول سالیان دراز، عمر لغات کوتاه می شود، پیر می شوند، ناقص می شوند، از بین می روند، معنای خود را عوض می کنند یا به صورت یک لغت تازه دیگر به ظهور میرسند. حتی در طول یک نسل شکل و معانی لغات عوض می شود و لغاتی که برای پدران مفهومی داشته اند چه بسا برای فرزندان، بیگانه و نامفهوم جلوه کنند و به اصطلاح از دور خارج شده به نظر می رسند. یا بر عکس واژه های نسل جوان، برای پدران دیگر قابل درک نیستند، یا مفهوم دیگری

دارند. هر نسل و هر ملتی، و هر نسل در هر ملتی، مطابق سلیقه و طرز تفکر خود در لغات، تغییراتی می دهد و سرانجام گاه از لغت اولیه جز چند قطعه ناقص چیزی بر جای نمی ماند.

اسم خاص اصولاً باید کمتر تغییر شکل دهد، اسم باید اسم بماند و یک شخص در همه جا به یک نام خوانده شود اما با مشاهده مثال زیر می بینیم که حتی اسم خاص مورد تغییرات مکانی و زمانی و نیز سلیقه ای قرار می گیرد.

اسم عربی یحیی از عبری یوحنا با لغت انگلیسی جک Jack در ابتدا هیچ شباهتی نشان نمی دهد، اما با مشاهده زنجیره ارتباط میانه، خویشاوندی و رابطه آن دو روشن می شود. عربی یحیی از عبری یوحنا Yohann، یونانی ولاتین یوهانس Iohannes، آلمانی یوهن Johann، اسپانیایی خوان Juan، فرانسه ژان Jean، انگلیسی جون John و جونی Jonny، یا بطور عامیانه جک Jack که شکل انگلیسی آن است و مسمائی است برای افراد مختلف، لطیفه های بسیار، مشاغل و ابزار و ادوات فراوان دیگر.

نیز شکل هلندی آن یانک Janek که ابتدا به مهاجرین هلندی آمریکا گفته می شده (زیرا در میان آنان این اسم فراوان بوده است)، سپس لغت یانکی مسمائی شده است که ساکنین شمال آمریکا را بدان می خوانند.

همچنین شکل اسپانیایی آن، خوان Juan که از آن اسامی و مسمای دون ژوان و دون ژوانیسم و شبیه آن گرفته می شود.

هنگامی که اسامی خاص، چنین تغییراتی را تحمل کنند، بی تردید لغات دیگر متحمل تغییرات بیشتری خواهند شد و نیز تغییرات معنایی افزون تر خواهند داشت.

این تغییرات گاه به علت تغییرات فکری و تحولات سلیقه ای یک نسل بانسل دیگر است، و گاه به دلیل تغییرات در فکر اقوام مختلف. گاهی نیز این تغییرات و تحولات در اثر گذشتن یک واژه از مرز یک یا چند کشور صورت می پذیرد و یا به دلیل تحمل تغییر تلفظ و یا اشکال نوشتاری.

مثلاً انگلیسیها «ژ» را «ج» تلفظ می کنند. آلمانیها «ژ» را به «گ» تبدیل می کنند، در زبان اسپانیایی «ژ» به «خ» بدل می شود، در عربی «گ» «ق» تلفظ می شود، اروپاییان قادر به تلفظ «ق» نیستند و اعراب «ژ» را تلفظ نمی کنند. فرانسویان حرف «ح» را در ابتدای کلمات به تلفظ نمی آورند. روسها «ح» ندارند و آنرا به «گ» مبدل می سازند. در زبان اوستا حرف «ل» توسط حروف دیگری مثل «س» یا «ر» جانشین می شده است، چینی ها بجای «ر» حرف «ل» تلفظ می کنند و همینطور هر ملتی بنا به سلیقه و توانایی یا ناتوانایی خود لغات را تغییر میدهد و چه بسا در آخر، از شکل لغت اولیه جز یک باقیمانده ناشناس، چیزی بر جای نمی ماند.

در این واژه گردی که در پیش روی شما است سعی شده است تا با رعایت و روشن کردن این مطالب و آسان ساختن و پیگیری حلقه ارتباطی، کار فرا گیری لغات زبان های خارجی و اصطلاحات علمی هموار و آسان گردد. البته این کار با این حجم و وسعت نمی تواند

خالی از نقص و نا رسائی باشد. که امیدوارم در چاپ های بعدی حتی المقدور، عیبه‌ها و نا رسائی‌ها برطرف و یا کمتر باشند. در اینجا مناسب است از همکاری و کمک افرادی تشکر کنم که بی تردید بدون کمک آنها، اتمام این کار شروع شده، ناممکن می نمود. در وهله نخست از همسرم بریژیت سپاس گذارم که با صبر و حوصله در تمام این مدت زحمات زیادی را متحمل شد و در فراهم آوردن وسائل و مراجع کمک شایانی کرد. و نیز از دوستانی سپاسگزاری می کنم که مشوق من در این کار بودند.

روش استفاده از این کتاب:

چون در اینجا لغات اروپائی مصطلح در زبان فارسی و شکل اصلی آنها در کشور مبدأ مورد بحث و بررسی ما هستند بنابراین لغات به ترتیب الفبای لاتین تنظیم و مرتب شده اند، اما برای تسهیل در پیدا کردن شکل فارسی آنها در کتابچه ای جداگانه فهرست لغات به ترتیب الفبای فارسی با شماره لغت و شماره صفحه نوشته شده اند که پیدا کردن شرح مفصل آنها در صفحه معین آسان می کند.

در ابتدا معنی مصطلح هر لغت در کشور مبدأ و در کشورهای دیگر و همچنین در ایران نگاشته شده است که معانی لغات گاهی در کشور مبدأ نسبت به کشورهای دیگر متفاوت است. در جلوی بسیاری از لغات در پرانتز معنای تحت اللفظی و تجزیه شده لغت آورده شده که با معنای مصطلح، کاملاً متفاوت است. این کار به منظور آسان شدن درک اصل لغت و برقراری ارتباط معنایی صورت گرفته است. پس از آن هر لغت ترکیبی، به اجزاء آن تجزیه شده و هر کدام از اجزاء، جداگانه با اصل و منشأ و ریشه و معنی و معنی مبدأ نوشته شده است. در تجزیه و تحلیل اجزاء لغات نیز سعی بر آن بوده است که حتی الامکان حلقه ارتباطی روشن شود. در صورتی که این توضیح، ناکافی یا نا مفهوم بنماید، خواننده می تواند تحت شماره و شرح لغت به شرح کامل آن مراجعه کند.

سپس لغات خویشاوند هر جزء از لغت شرح داده شده اند. البته هر لغت، لغات خویشاوند بیشتری دارد که ذکر همه آنها ناممکن می نمود ولی لغات خویشاوند متداول حتی المقدور ذکر شده اند. در تشریح لغات، کوشش شده است تا رابطه هر لغت با لغات فارسی امروز روشن شود که برای این کار اکثراً یک گردش طولانی در زبانهای جدید و قدیم دیگر لازم بود تا ریشه زبان های اروپائی قدیم و فارسی قدیم و پهلوی و اوستا و هندوآریائی.

در صورتی که طرز نوشتن، تلفظ، پیدا کردن لغات یا حتی فهم مطالب در یکی از دو زبان فارسی یا انگلیسی مشکل باشد می توان از این یکی یا از دیگری کمک گرفت.

در جلوی برخی لغات روسی (S.S) آمده، در اینصورت حرف S در کلمات مربوطه «ز» خوانده می شود.

دکتر حسین ناصر اسلامی

هامبورگ بهمن 1385، فوریه 2007.

Suggestions for users

The words are in alphabetical order according to the Latin alphabet. In a table of contents (separate volume), however, the word occurs in the order of the Persian alphabet together with all page numbers and numbers of the words. First of all, every word is written according to its current meaning in the country of origin and in Iran. A word can sometimes have different meanings in different countries. Then the word is divided into its single components with their literal meaning which should make understanding easier. Afterwards every part of the word is dealt with separately and described, specifying its radical and root. With this description, I tried to demonstrate the line of connection as well. In case something was not clear and not precise when reviewing this line or with regard to related words it is possible to look it up in the main part under the respective number. Subsequently the related words are listed. It is self-explanatory that every word has numerous related words and divergences that cannot all be listed. Therefore, only the most familiar ones are mentioned.

In order to establish the correlation of the words with the current Persian words, it was essential to refer to old and new languages first. Some Russian words are marked with "ss". This means that "s" is pronounced as a soft "s" in this case.

Dr. H. Nasseresslami
Hamburg, February 2007

It is mostly pronounced like a "G". In Avestic the letter "L" is mostly replaced by "S" and "R". The Chinese speak "R" like an "L". This demonstrates that every nation changes a word according to its pronunciation and potential so that in the end you may find only a relict that is hard to identify.

It is striking that there are some words that have not been affected much by any changes and manipulation. They have kept the same form in all Indo-Germanic languages for thousands of years whereas several other words have gone through numerous changes and lack any similarity with their original form. A good example for a word that has kept its form is the word mother.

Mother means in current Persian **madar**, in Old Persian and Avestic **mater**, in Middle Persian and Pahlavic **matar**, in Latin **mater**, in Slavic **mater**, in Greek **meter**, in English **mother**, in German **Mutter**, in Dutch **moeder**, in Swedish **moder**, in Spanish and Italian **madre**. Another example is the word new which in Avestic and Old Persian means **nava**, in modern Persian **nov**, in Indo-Germanic **neu**, in Greek **neo**, in English **new**, in German **neu**, in Swedish **ny**, in Spanish **nuevo**, in Italian **nuovo**, in Russian **novu**, in Slavic **nov**, in Serbian **nov**, in Bulgarian **nov**, in Lithuanian **nava**, in Polish **nowu**, in Czech **nowy**.

There are also words that exist in all modern current European languages in nearly the same form like in Old Persian and Avestic but those words are not present any more in modern Persian. Or some retain exactly the same form as they were two thousand years ago such as the Old Persian word **shnor** which means cord. Nobody would understand this word nowadays in current Persian while it still exists in German as **Schnur**, in Slavic **schnur**, in Polish **Snur**, in Dutch **snoer**, in Swedish **snöre**, in Norwegian **snor**, in French **nura**. This family of words led by the way to the words **nerf**, **nerv**, **neuron** and **neuro**. Or the Old Persian word in Avestic **fresha** (fresh) is not known this way in current Persian while it is very common in several European languages. Avestic **fresha** has become **frisch** in German, in English **fresh**, in French **frais**, in Spanish and Italian **fresco** and in Latin **frigidus**.

In this book I tried to take into consideration all the aspects that make the learning of the words in a foreign language easier by building the line of connection. As a matter of course, a book like this cannot be free of errors and defects. Volume one is only the first step and I hope that the following volumes will include fewer errors and deficiencies.

At this point, I wish to thank my beloved wife Brigitte who supported me the whole time persistently and patiently. She also helped me to find the right literature as adequate sources for my research. Furthermore, I would like to thank several friends of mine who encouraged me to pursue my work.

The correlation and context of many words seem to be vague at first due to several changes they have gone through. Only after reviewing them and knowing how they are related with other words does the context become obvious. An example is the correlation between the Persian word **tchar** and the English word **four** which have the same meaning. It becomes also clear when demonstrating the correlations like for instance: Persian **thcar**, Middle Persian **thchahar**, Avestic **tchatura**, indo-Germanic **ketuer**, Latin **quattor**, Gothic **fiodwor**, Old English **feower** and English **four**.

Another even better example shows how many changes a word goes through because it has been taken by people across borders and generations, because cultures and nations have grown older with them and have changed. Therefore words are cut, broken, stunted, lost and change their meaning. Sometimes they also reappear again in a totally different, new use and even fresh meaning. Some words change in the course of only one generation. Thus words that are meaningful for parents may be already out of fashion for their children visa versa. Some words that children use may not make any sense to their parents at all. Furthermore, every culture and nation changes words and the way of thinking according to their own taste. Sometimes there is nothing left of the origin of a word except for a part that has been changed, shortened or deformed.

It is almost universally believed that names are unchangeable since people and their names do not change. A person should have the same name in every culture and language. However, the following example shows though that names are not immune from changes either. .

The Arabic name *Yahia* which derives from the Hebrew name *Yohann* does not show any correlations to the English name Jack. But following the line of connections you can easily see the relation and genesis of the name. Arabic *Yahia* from Hebrew *Yohann*, Greek and Latin *Iohannes*, German *Johann*, Spanish *Juan*, French *Jean*, English *John*, *Johnny* and *jack*, which in England is a transferred application for many professions, implements, machines or their parts, devices, instruments, the male of animals, fishes and jokes. The Dutch form *Janek* was first used by Dutch immigrants in America and later Yankee became the term for the people in the North of America.

Observing those kinds of changes in names shows explicitly how many changes we can expect from words or from abstract terms.

These changes occur partially due to the different taste and mentality of each generation, of each nation, and due to the migration across borders and during different ages. Some changes, however, are based on the different ways of writing or pronunciation in various cultures.

The English pronounce "J" like *dsch*, the Germans like *j*, the Spanish like *ch*. The "J" as the French pronounce it does not exist in Arabic. "G" is pronounced *gh* like a phoneme developed in the throat. In French the "H" in the beginning of a word is not pronounced at all and does not even exist in Russian.

gingko, and *ginseng*. With regards to the Native American languages words like *alpaca*, *quinine*, *cacao*, *lama*, *acajou*, *curare*, *coca*, *cola*, *cocaine*, *caoutchuc*, *chocolat*, *tobacco* and *tomate*.

In order to make it easier for the readers, in the course of tracing the history and development of each term, I have avoided using too many cross-references and instead, described each word separately, analyzing it from its origins to its modern day form and meaning. Sometimes the description of the prefixes and suffixes is repeated. I have done this to keep the attention of the readers on this word and context and to avoid any distractions. Therefore, some parts of a word or some complete words are described two, three or many more times repeatedly. I hope the reader finds this helpful rather than tiresome and will enjoy learning about the terms and words this way. As mentioned before, the goal of this morphological and genealogical analysis is to make it easier to learn and to help in understanding the logical process of learning. The Persian word "*Shatrandj*" is an example; by analyzing this one word, we learn the meaning and relevance of more words in the European languages and the meaning of many technical terms.

The word *Shatrang* means chess board in Persian and also everything that looks like a chess board or square. The word *Shatrandj* or *Shatr-ang* (quadrangular) consists of two parts: *shatr* (four; quadr) and *ang* (angle; angular). It is possible to learn several more words from each part of the word. The first part *Shatr* with the meaning **four**, in Avestic (Old Iranian) it means **tchatura**, in Russian **tcheter**, in Indo-Germanic **ketuer**, in Latin **quattuor**, in Italian **quattro**, in French **quatre**. This makes it easier to understand several other words such as Latin **quadratum** (square), Old Persian **tchetwert** (one quarter), Russian **tchetwert** (a quarter liter measure), English **quadratic**, French **carreau**, **carré**, English **quartette**, Latin **quarantine** (forty days of isolation, quarantine), French **quadrupède** (four-legged), **cadre** (frame, four-sided), French **escadron** (unit), Latin **carrus**, English **car**, **carnival**, **charge**, **caricature**, **concours** and more words of the Indo-Germanic family of languages.

From the second part of the word *Shatr-ang*, "*ang*" meaning **angel**, we can discover the meaning of numerous words. In Pahlevi (Middle Persian) **angal** meaning hook, in Latin **angulus** (angle), in English **angle**, in French **triangle** (triangle), **quadrangle** (quadrangle), **angle** and **anglo** are a part of a word that is connected with **England**, **English** and a tribe from the coast of Schleswig from the standpoint of its meaning. There is also a correlation with **England**, **Anglo-**, **anglophile**, **Anglophobia**, **Anglo-Saxon** and so on. Avestic **ang**, Greek **angos** means **angle**, in Middle Persian **angal**, Greek **angkos**, Latin **angulus**, and Greek **agkura** means **anchor** in English; French **ancre**, Greek **angos**, Latin **angio** meaning vein and there are other words that derive from this like **angiography**, **angelology**.

Persian belongs to the Indo-Germanic family of languages. We discover that many foreign words that exist in Persian are present in many other languages as foreign words.

I have to emphasize that in the Persian language there are many Arabic words, but their analysis should be dealt in a separate work apart from this work since the Arabic language does not belong to the Indo-Germanic languages. Arabic is a Hamito-Semitic language and is spoken in Arab countries and by Arabic speaking people and Hebrew spoken by Jews. Although the Persian language has been influenced to a great extent by Arabic and has itself influenced Arabic to a certain extent, it should be understood that these two languages do not belong to the same family. The Persian language is a member of the Indo-European language family and is related to Latin, Greek, English, French, Italian, German, Russian, and Spanish, while Arabic is a Semitic language. Persian is much more closely related to the languages of the Latin American nations than to the languages of neighboring countries such as Turkish and Arabic. Therefore, understanding and learning of European languages with reference to the research on the roots is much easier for Persian speaking people than Arabic, Semitic, Aramaic, Chaldaic, Phoenician, Sumerian and Syriac. Research into the field of Arabic words in the Persian language has not been included in our present research and should remain the concern of its own specialists, scholars of the Arabic language. Our present work concerns only the European words in the Persian language and their relation to Persian with respect to the Indo-Germanic languages. Members of the Indo-Germanic family of languages include Persian/Iranian, Hindi, Sanskrit, Armenian, Albanian, English, German, Italian, Spanish, Slavic languages such as Bulgarian, Serbian, Croatian, Czech, Polish, Russian, Baltic and Scandinavian languages (except for Finnish which is related to Hungarian and Turkish). In the present work I have started with research into Persian words first. Then I have looked into the related languages and focused intensively on the Indo-Germanic roots. I followed the work by tracing the words and terms through all relevant modern languages before coming back to the initial point: Persian. Afterwards, I have continued our search in today's languages of the Indo-Germanic group like French, English, German, Spanish, Italian and Russian. Every now and then, we will find words of the non Indo-Germanic family group like Arabic, Turkish, Japanese, Chinese and words of the language of the Native Americans which will only be discussed briefly.

With regards to Hebrew and Arabic words in these languages we will only discuss the words that are used as foreign words in all European languages such as *alambique*, *alkali*, *alkaloid*, *abelmosk*, *admiral*, *artichoke*, *alchemy*, *alcohol*, *algebra*, *alizarin*, *amalgam*, *aniline*, *azimuth*, *elixir*, *realgar*, *sirup*, *sofa*, *benzene*, *gala*, *hashish*, *cipher*, *chiffre*, *café*, *jupe* and *mazout*. With regards to Far Eastern languages we will deal with words like *tea*, *kaolin*, *bonsai*, *geisha*, *hara-kiri*, *judo*, *karate*, *kimono*,

will succeed in producing them in time before it is too late. In this process I humbly request the help of friends and responsible institutions, centres of academic research and education.

Due to new developments and progress in the fields of science and technology as well as the development of new branches of industry, new terms and words are emerging all the time. One has to keep up with those new developments and the new terms involved. Even after having finished this present work some new words have emerged and consequently could be dealt with in due course. However, since I have already examined the established words in detail with all their components and divergences, it is possible to analyze the new words on the basis of the words already discussed, to find out their origin and meaning. Thus, everybody can search and research more words using his own skills.

So far, the research on Persian words and their roots in several European languages has been insufficient and not methodical and comprehensive. The complications in this field of work have been discouraging and thus delaying this work for it needs a lot of experience, expertise and takes a lot of time and requires a hard long search. I have done some of the work and I would hope that others who are interested will continue it.

Each category of foreign words in every language has its own genesis and place of origin. Musical, financial, banking terms in the Persian language find their roots and history in Italian. Persian foreign words that have to do with music, the banking system and finance usually derive from Italian such as *agio, adagio, andante, alto, allegro, opera, do, re, mi, fa, so, la, si, banqueroute*. Diplomatic and political words, however often derive from French such as *politique, diplomate, diplomatique, corps diplomatique, attaché, cabinet, bourgeois, bourgeoisie, coup d'état*. Many engineering and mechanical terms with regards to vehicles originate from Russian such as *buksir* (to tow), *sapas* (spare part), *brezent* (tarpaulin), *bak* (fuel tank), *tormoz* (break). Words deriving from mythology often descend from Greek, whereas the expressions of new technologies and digital technology come from English. The purpose of my present work is to illustrate and analyze those foreign words.

Many foreign words exist in all languages all over world and in almost all countries in the same form and meaning. It is usually impossible to replace them with a word in the national language. These words may be regarded as internationalisms, terms like telephone, radio, system, cinema, theatre, music, electric, doctor, and automat. The phenomenon of internationalisms increases every day because communication between the countries and nations grows as well as the means of communication, technical progress and digital technology. In the present work I have examined many foreign words which have found their way from European languages into Persian. However, during research and analysis of over seven thousand words, we cover nearly every European language due to the fact that

countries and spent a lot of time in libraries in Hamburg, Paris, Brussels, Moscow and many more countries and libraries trying to find the roots and derivatives, the 'ancestors' and 'relatives' of words. As I have already said, I produced one or two papers on academic terms for friends because I had promised to do so. In the meantime, the amount of work increased so much that by now, I have even completed several volumes. It made no sense to me that I would be the only one benefiting from the work. Although former fellow students of mine have reached seniority and have retired, their children as well as other students might still consider this work useful.

It is important to consider that this research is not simply an etymological book, a dictionary or an encyclopedia. It rather seeks for and identifies the roots of words, their original, primary and common meaning, and the meaning of their components. Moreover, it identifies words that are related, based on their roots in my language, Persian, and follows the course of their development through many other languages. Furthermore, I have traced the family history of the word. I made an effort to show the diversely related connections of words and to explain and illustrate their linguistic coherence.

In a certain way, this is a tour around the words which is the reason why I do not consider my book to be an etymology, dictionary or encyclopedia but instead, in Persian, a *Wajehgardi* which means "Tour around the word", a history of the development of words and terms. In this work I have tried to take the readers on a tour back to the genesis and roots of a word trying to find a correlation with Old Persian and Middle Persian, with modern European words as well as a connection with modern Persian.

I hope readers and scholars won't interpret as a sign of overweening my expectation that many people in different branches and fields of knowledge may find this work of some benefit. The benefit of my work to other people will surely motivate me to produce more work in this field and to research further in this direction. I am sure that the books will contribute to and help Persian speaking people who are learning European languages, especially Roman languages, the English language, Latin and Greek. Furthermore, it will help to explain the correlation of many Persian words with European languages which will make it easier to learn them.

Those who are familiar with the difficulties of etymology know how complicated it is and that it requires many years of hard work and patience to compile a volume of this size. It takes even more time to create several volumes. It only occurred to me while I was already in the middle of my working life as a medical doctor, that I was figuratively swimming in an ocean out of sight of the shore and that therefore, neither a break nor turning back were viable options for me.

The first volume already covers the analysis and development of some 300 words. The research and analysis of more than 7.000 words will lead to approximately another 18 more volumes. I hope that I

Foreword

The best and most rewarding way of studying an academic subject and the terms and key words of the subject concerned is to appreciate the original meaning of the specific terms individually first rather than regarding them as just names for particular concepts. To understand the original meaning of these terms one must first find their correlation and relationship with their basic roots and how they have developed to their modern meaning and usage. In this process the morphological analysis of a term or word should always precede its further application and use by scholars. This approach and method of fully appreciating a term or terms is very slow, time consuming and could even discourage the student in the beginning. However, with patience it is more rewarding, correct and methodical in the end. This is the method I used personally during my studies and research and I found it very interesting and even exciting when I discovered how these highly academic, scientific and sometimes very frequently used terms and words had their origins and roots in my own old, classic or even modern language, the Persian language. This made the work much easier and more interesting for me. First, I discovered the connection and the correlation of some of these scientific terms with their roots and equivalent in Persian. But after a while I realized that this is the case with almost all of them. At first, I adopted this approach and method as my own way of studying terms and words for my own personal benefit only. After a while I thought I could help my fellow students, friends and colleagues with my work, those who did not have so much time to spend doing the work themselves. Even fellow countrymen asked me again and again "What does this word really mean- what is its literal meaning?" or "In which way is it connected with this topic and meaning?" Friends of mine even asked me to provide them with all results of my research on terms and words. I promised them that one day I would produce the result of part of my research in a paper. I did produce that article, as promised, but the work did not stop there. It led to more articles on more terms and finally it became full time work for a considerable length of time.

In fact, this research into the development and history of words and terms, their roots and origins and their correlation with Persian words kept me busy for years and fascinated me so much that I worked on it even after I had graduated from university and later on during and after my working life. In fact, I got so involved with the words and working on them that they became my friends and companions forever. They became an inseparable part of my life. I was virtually traveling with them while searching for them, their roots, their relations and their origin. And I traveled far away to foreign